

دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۱، روح القدس یک شخص است

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱ است، روح القدس یک شخص است.

به دوره آموزشی ما در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح خوش آمدید. بیایید قبل از هر کاری دعا کنیم. پدر، از تو به خاطر کلامت، به خاطر روحت، به خاطر پسریت سپاسگزارم.

دعا می‌کنیم، به ما بیاموزید. ما را تشویق کنید. هر جا که لازم است ما را اصلاح کنید.

ما را به راه جاودان خود هدایت کن، از طریق عیسی مسیح، واسطه، دعا می‌کنیم. آمین. اتحاد با مسیح آموزه‌ای بسیار شگفت‌انگیز و پیچیده است و برای درک آن، قبل از هر چیز باید در مورد خدا، روح القدس و خدمات او فکر کنیم.

بنابراین، ما به شخص روح القدس، الوهیت روح القدس، و سپس به اعمال او، و خدمت اصلی او، که در نجات است، یعنی پیوستن مردم به مسیح، خواهیم پرداخت. سپس به امید خدا، به مبانی اتحاد با مسیح در عهد عتیق، انجیل‌های هم‌نوا و اعمال رسولان خواهیم پرداخت. این مطالبی است که به ندرت در مورد آنها صحبت می‌شود.

سپس، اتحاد با مسیح در انجیل یوحنا وجود دارد، و سپس، البته، تاج، اتحاد با مسیح در پولس، کار با متون زبان و ادبیات، و تصاویر و مضامین پولس. به طور خلاصه، اتحاد با مسیح و داستان کلی کتاب مقدس، و در نهایت، به خواست خدا، اتحاد با مسیح و الهیات سیستماتیک. اما برای شروع، اگر بخواهم اتحاد با مسیح را تعریف کنم، آن را به شیوه‌ای تثلیثی انجام می‌دهم.

رستگاری توسط خدا برنامه‌ریزی شده، توسط خدا به انجام رسیده و توسط خدا اعمال شده است. رستگاری قبل از خلقت جهان، افسسیان ۱:۴، دوم تیموتائوس ۱:۹، توسط تثلیث، به ویژه توسط پدر در انتخاب قومی برای خود، برنامه‌ریزی شده است. با این حال، مردمی که او انتخاب می‌کند قبل از خلقت جهان نجات نیافته‌اند زیرا وجود نداشته‌اند.

بنابراین، نجات نه تنها توسط خدا برنامه‌ریزی شده است، بلکه توسط تثلیث، به ویژه پسر، در قرن اول محقق شده است. همه چیز از تجسم او، آمدن دوم، که البته فراتر از قرن اول است، در کار نجات‌بخش او، گنجانده شده است، اما قلب و روح دستاورد نجات‌بخش عیسی، مرگ و رستاخیز اوست. و آنها، در واقع وقایع تاریخی قرن اول هستند.

نجات توسط پدر در ازل برنامه‌ریزی شده بود، و نجات توسط پسر در قرن اول محقق شد، اما با این حال اگرچه برخی از ما مدت‌هاست که زنده نیستیم، اما در قرن اول زنده نبودیم. بنابراین، خدا نجات را اعمال می‌کند، و این کار تثلیث، به ویژه این روح القدس، برای قوم خدا در طول تاریخ در طول داستان‌های زندگی آنهاست. این به کارگیری نجات نامیده می‌شود.

بنابراین، نجات برنامه‌ریزی شده، برگزیدگی قبل از خلقت، به ویژه کار پدر، نجات انجام شده، مرگ و رستاخیز نجات‌دهنده در قرن اول، سپس اعمال نجات، کار تثلیث، اما به ویژه روح القدس در احیا و فراخوان و تقدیس

اولیه و ایمان و توبه، عادل شمردگی، فرزندخواندگی و استقامت. همه این موارد، کاربرد نجات هستند و من به طور خلاصه می‌توانم آن را به روش دیگری بیان کنم، و آن اتحاد با مسیح است. هر یک از آموزه‌هایی که ذکر کردم در اتحاد با مسیح اتفاق می‌افتد.

به عبارت دیگر، وقتی خدا ما را از نظر معنوی به پسرش می‌پیوندد، ما تمام مزایای نجات بخش او، از جمله توجیه، دعوت، توبه، ایمان، فرزندخواندگی، توجیه و غیره، تقدیس و غیره را به دست می‌آوریم. بنابراین، تعریف مختصری از اتحاد با مسیح، کار قدرتمند خدا، روح القدس، در پیوستن به قوم خدا، برگزیده خدا نجات یافته توسط پسر، در پیوند دادن واقعی آن مردم به مسیح در نجات، پیوند دادن آنها به او و متحد کردن آنها است. روح، مؤمنان را متحد می‌کند.

اتحاد با مسیح، حداقل به معنای محدود کلمه، از ایمان به کتاب مقدس ناشی می‌شود. به معنای وسیع کلمه این سایبان وسیع است زیرا برگزیدگی در او بود، و بخشی از زندگی مسیحی، یعنی دینام، این است که ما با او مردیم، با او دفن شدیم، با او برخیزانیده شدیم و غیره، اما به ویژه روح القدس ما را به عیسی و تمام مزایای نجات بخش او متصل می‌کند. این اتحاد با مسیح است.

با پیوستن به او، مسیح زنده، ما رستگاری را در تمام رنگ و بوی فنی آن به دست می‌آوریم. قبل از شروع صحبت در مورد روح القدس، که محرک اصلی در اتحاد با مسیح است، می‌خواهم کمی به کتابشناسی پردازم. تا در صورتی که بینندگان و دانشجویان بخواهند بیشتر پیش بروند، بتوانند اطلاعات بیشتری کسب کنند. سال‌ها، کتاب خوب لوئیس اسمید، «همه چیز از نو ساخته شد»، در سال ۱۹۷۰، معیار بود.

او رویکردی تاریخی-رستگاری محور اتخاذ کرد و به آموزه‌های مغفول مانده پرداخت. در آن زمان چیزی در مورد اتحاد با مسیح وجود نداشت و این آموزه برای سال‌های بسیار زیادی به عنوان یک استاندارد باقی ماند، زیرا چیزهای دیگری نوشته نشده بود. این کتاب هنوز هم کتابی معتبر است.

کتاب «همه چیز از نو ساخته شد» اثر لوئیس اسمید. ویلیام ایوانز کتاب «انتساب و افاضه» را نوشته است که به آموزه قابل توجه جان کالوین در مورد اتحاد با مسیح و این واقعیت که این آموزه از بین رفت و سپس تنها توسط برخی از وارثان الهیاتی او بازیابی شد، می‌پردازد. این کتاب یک مطالعه تاریخی خوب است.

این کتاب مستقیماً به کتاب مقدس نمی‌پردازد، اما یک مطالعه تاریخی ارزشمند توسط بیل ایوانز است. انتساب و افاضه. اتحاد با مسیح، اگرچه فصل جداگانه‌ای در کتاب مبادی کالوین وجود ندارد، اما در کل آن نفوذ دارد.

، به نظر او، یکی از بزرگترین برکات نجات یافتن، فرزند خدا بودن و به فرزندی پذیرفته شدن است. و باز هم تمام جنبه‌های کاربرد نجات در مسیح است. با پیوستن به او، ما از تمام آن مزایای پس انداز بهره‌مند می‌شویم.

هانس برگر، کشیش و محقق هلندی، کتاب «بودن در مسیح» را نوشت، پژوهشی کتاب مقدسی و سیستماتیک از دیدگاه اصلاح طلبان. در این کتاب، او به دو شخصیت تاریخی، جان اوون، پیوریتنی که آموزه‌ای شگفت‌انگیز و گرم از اتحاد با مسیح داشت، و هرمان باوینک، محقق مشهور هلندی و متکلم سیستماتیک، پرداخت. او به طور بسیار مناسبی به دو نویسنده کتاب مقدس، یوحنا و پولس، و سپس به دو نویسنده مدرن، اینگولف دالفرث و الیور اودانوان، اخلاق‌دان مشهور، پرداخت.

کتاب رابرت لتام، «*اتحاد با مسیح در کتاب مقدس، تاریخ و الهیات*»، واقعاً خوب است. واقعاً خوب است. واقعاً خوب است. چون واقعاً مختصر است، ما را به التماس بیشتر وامی‌دارد، اما او به اتحاد با مسیح و خلقت می‌پردازد.

از آنجایی که مسیح تصویر واقعی خداست، زمانی که خدا آدم و حوا را آفرید، آنها به تصویر او ساخته شدند. البته اگر بخواهیم بگوییم، یک تصویر مخلوق در مورد آنها، اما بر اساس الگوی مسیح، تصویر واقعی خدا تجسم بسیار عظیم است زیرا بدون تجسم، ما نمی‌توانستیم به مسیح بپیوندیم. تجسم، پیش نیاز اساسی در کنار زندگی بدون گناه عیسی برای مرگ نجات‌بخش و رستخیز پیروزمندانه اوست. لیتیم همچنین پنطیکاست را پوشش می‌دهد.

این همان نزول روح القدس در عهد جدید است که در واقع اتحاد با مسیح را برای همه قوم خدا به واقعیت تبدیل می‌کند. رستخیز مسیح، که حیات و قدرت ابدی خدا را آزاد می‌کند، بار دیگر در اتحاد با او ضروری است زیرا ما به مسیح زنده که از مردگان برخاسته است، پیوسته‌ایم. کتاب لتهام کتاب مقدس و تاریخ را پوشش می‌دهد، اما به ویژه در حوزه الهیات تاریخی خوب است.

او همچنین به مباحث سیستماتیک می‌پردازد. این کتاب به کتاب مقدس و مباحث سیستماتیک می‌پردازد، اما تمرکز اصلی آن بر الهیات تاریخی است. جی. تاد بیلینگز کتاب‌های «*اتحاد با مسیح، چارچوب‌بندی مجدد الهیات و خدمت برای کلیسا*» را نوشته است.

او به کالوین و سیستماتیک بودن، به ویژه اتحاد با مسیح و فساد و غیرقابل درک بودن خدا می‌پردازد. همانطور که خواهیم دید، به ویژه در نوشته‌های یوحنا، این موضوع خوبی برای بررسی است زیرا برای یوحنا شگفت‌آور است که نه تنها تعلیم می‌دهد که شخصیت‌های تثلیث متقابلاً در یکدیگر ساکن هستند، بلکه به لطف خدا به شیوه‌ای مخلوق، مؤمنان نیز متقابلاً در تثلیث ساکن هستند. این تقریباً کفرآمیز به نظر می‌رسد، اما این تعلیم یوحنا است و البته یوحنا با رعایت تمایز خالق-مخلوق و موارد دیگر، بسیار دقیق بیان کرده است. با این حال، بیلینگز درست می‌گوید.

اتحاد با مسیح به سیستماتیک مربوط می‌شود، اما کل کتاب بیلینگز، *اتحاد با مسیح، چارچوب‌بندی مجدد الهیات و خدمت برای کلیسا*، عنوان خوبی دارد زیرا کل کتاب معطوف به خدمت است و این خوب است زیرا اتحاد با مسیح یک آموزه عملی است. کنستانتین کمپبل، یا همانطور که دوستانش او را صدا می‌زنند، کان کمپبل، برجسته‌ترین کتاب درباره پولس به نام *پولس و اتحاد با مسیح را نوشت. مطالعه تفسیری و الهیاتی*. این بخش تاریخچه مختصری از مطالعه اتحاد با مسیح ارائه می‌دهد و با زبان یونانی بسیار خوب کار می‌کند.

کمپبل کتاب‌هایی در مورد زبان یونانی عهد جدید نوشته است. او به خوبی با اصطلاحات یونانی مربوط به اتحاد کار می‌کند. او تفسیر درجه یکی از متون و تصاویر یا نقاشی‌های پولس و همچنین الهیات پولس ارائه می‌دهد.

بنابراین، این کتاب هنوز هم بهترین کتاب در مورد پولس است و فوق‌العاده است. در کتاب خودم که کمی بعد به آن اشاره خواهم کرد، به او وابسته‌ام. حوزه کاری من کل کتاب مقدس است، اما کار من در مورد پولس بسیار تحت تأثیر قرار گرفته است. من مدیون کمپبل هستم.

مارکوس جانسون از موسسه کتاب مقدس مودی، یا هر نامی که امروزه دارد، یکی با مسیح، او یک الهیات انجیلی نجات نوشت که بر اتحاد با مسیح و مزایای او تأکید می‌کند، اما او به درستی می‌گوید که ما گاهی اوقات

بر مزایا تأکید می‌کنیم و این واقعیت را که اتحاد با مسیح زنده است، از دست می‌دهیم و این همه تفاوت را ایجاد می‌کند و این مزایا را به همراه دارد. بنابراین، کتاب مارکوس جانسون با استقبال خوبی روبرو شده است.

یک مطالعه بسیار علمی، گسترده و ارزشمند، مطالعه گرانت مک‌آسکیل با عنوان «اتحاد با مسیح در عهد جدید» در سال ۲۰۱۳ است. من قبلاً هم گفتم: این مطالعه از نظر تاریخی، کتاب مقدسی و الهیاتی بسیار گسترده است و شاخه‌های مختلف کلیسای مسیحی، از جمله ارتدکس شرقی، را با هم مقایسه می‌کند. منظورم این است که هیچ کتاب دیگری این کار را نمی‌کند.

بنابراین، دامنه‌ی مطالعات مک‌آسکیل گسترده است، اثر او علمی است و بررسی ارزشمندی دارد. در سال، من کتاب «نجات به کار رفته توسط روح، اتحاد با مسیح» را نوشتم و تا آنجا که می‌دانم، ۲۰۱۵ این تنها تلاش برای خلاصه کردن اتحاد، بررسی آن با نگاه به کل کتاب مقدس است. همانطور که خواهیم دید، این یک آموزه‌ی عهد جدید است، و با این حال، پایه‌های آن توسط خداوند از طریق نویسندگان کتاب مقدس در عهد عتیق، انجیل‌های هم‌نوا و سپس اعمال رسولان گذاشته شده است، و این پایه‌ها مهم هستند.

در سخنرانی بعدی بیشتر در این مورد صحبت خواهم کرد. قبل از اینکه به شخصیت روح القدس پردازم، فقط می‌خواهم بگویم که در طول سال‌ها افتخار نوشتن چندین کتاب را داشته‌ام و هیچ کدام از آنها «شگفت‌انگیزتر و گیج‌کننده‌تر از کتابی که درباره کتاب «نجات به کار گرفته شده توسط روح، اتحاد با مسیح» نوشته شده، نبوده است. چرا این کتاب فوق‌العاده است؟ من از موضوع اتحاد با مسیح متبرک و غرق در آن شدم، زیرا همزمان شگفت‌انگیز و گیج‌کننده است.

چرا این فوق‌العاده است؟ مارکوس جانسون، که کتابش را همین الان ذکر کردم، پاسخ می‌دهد: «واقعیت اصلی، مرکزی و بنیادی نجات، اتحاد ما با عیسی مسیح است، که به دلیل آن تمام مزایای منجی به ما می‌رسد و از طریق آن اتحاد است که می‌توان همه این مزایا را درک کرد. اساسی‌ترین حقیقت نجات‌بخش، اتحادی است که خدای پدر بین مؤمن و پسرش، عیسی مسیح، از طریق قدرت روح القدس ایجاد می‌کند. به عبارت ساده، جانسون نوشت، نجات یافتن به معنای اتحاد با منجی است.»

همانطور که به خواست خدا خواهیم دید، این یک آموزه‌ی شگفت‌انگیز است. همچنین گیج‌کننده است. اگر اینقدر شگفت‌انگیز است، چرا اینقدر گیج‌کننده نیز هست؟ ریچارد گافین، استاد بازنشسته‌ی عهد جدید و سپس الهیات دانشگاه وست‌مینستر، پاسخ می‌دهد و من قطعاً ابعاد کامل آن را نقل می‌کنم، این راز اتحاد فراتر از درک مؤمن است.

در اینجا، به اندازه هر چیز مربوط به رستگاری و انجیل، مشخصه تمام درک الهیاتی واقعی، یعنی شناخت عشق مسیح که فراتر از دانش است، شناخت آنچه فراتر از همه دانش بشری است، مطرح می‌شود. افسسیان و ۱۹ با اول قرن‌تین ۲:۹ مقایسه می‌شوند. باز هم، او به برخی از این آموزه‌ها اشاره می‌کند که به لطف ۳:۱۸ خدا، از طریق ایمان، مؤمنان در زندگی الهی شریک می‌شوند. آه، ما خدا یا بخشی از خدا نمی‌شویم.

تمایز خالق-مخلوق ابدی است. حداقل به محض اینکه ما آفریده شدیم، این تمایز ایجاد شد و از این پس نیز ابدی است. اما ما نه تنها در عشق خدا، بلکه در حیات او نیز شریک هستیم.

بنابراین، عیسی می‌توانست در یوحنا ۱۷ دعا کند، پدر، من در تو، تو در من، و ایشان در ما. صحبت از کسانی است که از طریق کلام شاگردانش به او ایمان می‌آورند. به هر حال، این یک آموزش فوق‌العاده و گرم، یک نعمت بزرگ و در عین حال به طرز حیرت‌انگیزی گیج‌کننده بود.

اما برای اینکه به درستی در مورد اتحاد صحبت کنیم، باید در مورد شخص روح القدس صحبت کنیم. او یک شخص است و نه یک نیرو، و او یک شخص الهی است، عضوی از تثلیث ابدی. روح القدس یک شخص است.

کتاب مقدس، روح القدس را به عنوان یک شخص معرفی می‌کند، نه یک نیروی غیرشخصی. در اینجا چند مدرک برای این موضوع آورده شده است. او دارای صفات یا ویژگی‌های شخصی است.

او خدمات شخصی انجام می‌دهد. او کارهایی را انجام می‌دهد که فقط مردم می‌توانند انجام دهند. و او به عنوان یک شخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

وقتی خدا با قوم خود پیمان می‌بندد، بده بستان وجود دارد. رابطه برقرار می‌شود و خدا به قوم خود پاسخ می‌دهد. من الوهیت خدا و حتی تغییرناپذیری او را که به درستی به عنوان شخصیت و نقشه او و غیره درک می‌شود و وعده می‌دهد که پایدار است، انکار نمی‌کنم، اما ما باید صفات خدا و همچنین هر چیز دیگری را به صورت پیمانی بررسی کنیم.

خداوند با قوم خود وارد یک رابطه واقعی می‌شود و این بر همه چیز تأثیر می‌گذارد. شخص روح القدس، روح دارای ویژگی‌های شخصی است. عناصر شخصیت عبارتند از هوش، اراده و احساسات.

توانایی تفکر، اراده، توانایی اراده کردن و تحمیل اراده خود بر جهان، و توانایی احساس کردن، داشتن احساسات. کتاب مقدس هر سه مورد را به روح نسبت می‌دهد. روح دارای هوش است، متی فصل ۱۰.

من قصد دارم زیاد به کتاب مقدس مراجعه کنم، زیرا مطمئناً جایی است که الهیات باید بر اساس آن بنا شود. عیسی به شاگردان و پیروانش هشدار می‌دهد وقتی شما را تسلیم می‌کنند؛ متی ۱۹:۱۰، وقتی شما را تسلیم می‌کنند، نگران نباشید که چگونه صحبت کنید یا چه بگویید. آنچه باید بگویید در آن زمان به شما عطا خواهد شد.

زیرا این شما نیستید که سخن می‌گویید، بلکه روح پدر شماس است، عبارتی زیبا که از طریق شما سخن می‌گوید. این از زمان‌های آزار و اذیت شدید سخن می‌گوید، و با این حال بودن خدا با قومش و قادر ساختن آنها برای ایستادن در کنار مسیح. به طور خاص، روح دارای هوش است.

او قوم خدا را قادر می‌سازد تا در چنین مواقعی فراتر از توانایی خود صحبت کنند. البته، هوش روح در سخنرانی‌های خداحافظی عیسی در یوحنا ۱۴ تا ۱۶ مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین در ۱۴:۲۶، بدون شک بخشی که بارها در این سخنرانی‌ها به آن باز خواهیم گشت، ۲۵ از یوحنا ۱۴، یوحنا ۱۴:۲۵، این چیزهایی را که وقتی هنوز با شما هستم به شما گفته‌ام، اما یاور، روح القدس، که پدر به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه را که به شما گفته‌ام به یاد شما خواهد آورد.

روح القدس هوش دارد، او تعلیم می‌دهد، به شاگردان کمک می‌کند تا به خاطر بیاورند. به همین ترتیب، در یوحنا ۱۳:۱۶، روح القدس خود دیگر عیسی است. عیسی به سوی پدر بازمی‌گردد، پدر و پسر روح القدس را می‌فرستند و روح القدس خدماتی را که عیسی در طول سه سال و نیم خدمت عمومی خود انجام داده بود، به عهده می‌گیرد.

یوحنا ۱۲:۱۶، هنوز چیزهای زیادی برای گفتن به شما دارم، اما اکنون طاقت تحمل آنها را ندارید. وقتی روح راستی بیاید، شما را به تمام حقیقت هدایت خواهد کرد، زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه هر

چه بشنود، خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. روح، مؤمنان، به ویژه رسولان را در این زمینه هدایت می‌کند.

من این آیات را نوعی پیش-اعتباربخشی به عهد جدید می‌دانم. عیسی می‌گوید روح القدس، وقتی عیسی می‌رود، به شکلی جدید و قدرتمند خواهد آمد. او شاگردان را به سوی حقیقت هدایت خواهد کرد.

این گواهی بر هوش است. موجودات هوشمند ما را به سوی حقیقت هدایت می‌کنند، نه صرفاً نیروهای غیرشخصی. و در نهایت، در اول قرن‌تینان ۱۱:۲، من در حال انجام بسیاری از متون اثباتی هستم زیرا واقعاً می‌خواهم وسعت آموزه‌های کتاب مقدس در مورد شخصیت روح را نشان دهم.

تعلیم در مورد الوهیت روح به این گستردگی نیست. با این وجود، بیش از حد کافی است. پولس در اول قرن‌تینان درباره موعظه رسولان به عنوان وحی الهی صحبت می‌کند ۲.

آنچه رسولان وقتی از جانب خدا صحبت می‌کنند، در آیه ۱۰، پولس می‌گوید: «خدا این چیزها را از طریق روح به ما آشکار کرده است، زیرا روح همه چیز، حتی اعماق خدا را نیز جستجو می‌کند. چه کسی افکار یک شخص را می‌داند جز روح آن شخص که در اوست؟ به همین ترتیب، هیچ کس جز روح خدا افکار خدا را درک نمی‌کند.»

مطمئنأً، روح یک شخص است. در واقع، این آیه دلالت بر این دارد که او یک شخص الهی است. چه کسی جز خدا افکار خدا را می‌داند؟

آموزه تثلیث به ما می‌گوید که ما اشخاص را از هم جدا نمی‌کنیم، بلکه آنها را از هم متمایز می‌کنیم. و در اینجا، روح نه تنها به موعظه رسولان قدرت می‌بخشد، بلکه خدا را از طریق آن آشکار می‌کند زیرا تنها اوست که افکار الهی خدا را می‌داند. روح آن افکار و کلمات را از طریق رسولان در خدمت‌ها و اعلامیه‌هایشان آشکار می‌کند.

روح یک شخص است. او دارای هوش است. علاوه بر این، او اراده دارد.

او اراده دارد. ما این را در اول قرن‌تینان ۱۱:۱۲ می‌بینیم. دو راز اساسی در ایمان مسیحی وجود دارد که برای رستگاری ضروری هستند.

آموزه تثلیث این است که خدا در یک ذات، سه ذات است. آموزه دو ذات شخص مسیح این است که چگونه پسر، همزمان هم خدا و هم انسان در یک شخص است. راز سومی نیز به همان اندازه مرموز است، به همان اندازه در کتاب مقدس آشکار شده است، حداقل برای این کالوینیست متعصب، اما به همان اندازه مهم نیست.

شما می‌توانید مسیحی باشید بدون اینکه کالوینیست باشید، اما تعامل پویا بین حاکمیت مطلق خداوند و مسئولیت واقعی کوبا مرموز است. ما آن را در هدایای معنوی در اول قرن‌تینان ۱۲ و ۱۴ می‌بینیم. دو بار به مؤمنان گفته شده است که به دنبال هدایای معنوی باشند که مربوط به مسئولیت انسانی است.

با این حال، در اول قرن‌تینان ۱۱:۱۲، ما با جنبه‌ی حاکمیت مواجهیم، و به طور خاص، همانطور که مناسب است، از آنجایی که روح، دهنده‌ی عطایا است، ما روحی داریم که به عطایا قدرت می‌بخشد. پولس پس از ذکر عطایای معنوی مختلف، در آیه ۱۱، در مورد اول قرن‌تینان ۱۲ می‌گوید، همه این عطایا توسط یک روح

واحد، درست است، که به هر یک از ایمانداران، به طور جداگانه و بر اساس اراده‌اش، عطا می‌کند. فعل از اراده و خواست سخن می‌گوید.

روح اراده‌ای دارد. این اراده‌ای حاکمانه است که عطایای روحانی را آنطور که می‌خواهد، عطا کند. بنابراین خدا در بخشیدن عطایا حاکمانه عمل می‌کند، و با این حال به مؤمنان گفته شده است که آنها را بجویند.

و شاید وقتی به سخنرانی‌های مربوط به آموزه‌های کلیسا برسید، بتوانیم این موضوع را کاملاً حل کنیم. اما در عین حال، اگر خداوند به شما عطایای معنوی نداده است، از نداشتن آن شکایت نکنید. زمانی فرا می‌رسد که باید درک کنید که خداوند حاکم مطلق است.

من آن را ندارم. با این حال، فکر می‌کنم جنبه‌ی دیگر، یعنی مسئولیت انسانی، مخصوصاً برای کسانی است که تنبل هستند و با خدا مشغول نیستند. خداوند می‌گوید، یک دقیقه صبر کنید.

مرا بجوی. بکوش تا استعدادهایت را کشف کنی و در پادشاهی من مشغول شو. روح یک شخص است، نه یک نیروی صرف.

او مانند انسان‌ها هوش دارد. او اراده یا خواست دارد، همانطور که فقط انسان‌ها دارند. و همچنین او احساسات دارد.

افسسیان ۴:۳۰. در عبرانیان ۱، همانطور که مزمورنویس نقل قول می‌کند، می‌گوید که در ابتدا، شما، وقتی از مسیح صحبت می‌کردید، عدالت را دوست داشتید و از شرارت متنفر بودید. خدا موجودی عاطفی است.

اوه، ما احساسات خدا را از احساسات خودمان تشخیص می‌دهیم. و یک نویسنده، تئوس، با بازی با کلمه یونانی خدا، آنها را احساسات نامیده است. متوجه هستم.

ما باید تمایزاتی قائل شویم. یعنی باید نفرت و عشق و غیره و حسادت الهی و سایر احساسات خدا را درک کنیم. او آنها را با اصطلاحات انسانی برای ما آشکار می‌کند.

چطور می‌توانست این کار را انجام دهد؟ کل کتاب مقدس کلام خدا به زبان انسانی است. این کلام فرشته‌ای نیست که از جانب خدا سخن بگوید. ما نمی‌توانستیم آن را بفهمیم.

و با این حال، حقیقت را می‌گوید. و احساسات خدا مانند احساسات ما نیست. احساسات ما آلوده به گناه است، اما احساسات او پاک و مقدس است.

و با این وجود، او احساسات دارد. او عشق می‌ورزد، نفرت می‌ورزد و غیره. و در افسسیان ۴:۳۰، یک متن زیبا.

این مربوط به افسسیان است، نه غلاطیان. ما می‌خوانیم: روح القدس خدا را که به وسیله او برای روز است. ESV رستگاری مهر شده‌اید، غمگین نکنید. این یک ترجمه نادرست در.

دانشجوی سابق من، دین اورتلند، رئیس بخش کتاب مقدس آنجا بود تا اینکه برای کشیش شدن رفت. من این موضوع را به او اطلاع دادم. او گفت که قرار است تغییراتی ایجاد شود.

پدر مهرباننده است. روح القدس مهربان است. و ما در اتحاد با مسیح مهربان شده‌ایم، و باید هم همینطور باشد.

روح القدس خدا را که با او برای روز رستگاری توسط خدای پدر مهر شده‌اید، غمگین نکنید. آنها به من گفتند این را اصلاح خواهند کرد. به هر حال، این نکته صرف نظر از این موضوع ESV که نسخه‌های جدیدتر پابرجاست.

روح القدس خدا را غمگین نکنید. در این زمینه، مؤمنان غمگین می‌شوند. آنها در این زمینه، به ویژه با خشم گناه آلود و سخنان گناه آلود، از نظر عاطفی به روح القدس خدا آسیب می‌رسانند.

خدا موجودی الهی و نامتناهی است، و با این حال با قوم خود بر اساس عهد و پیمان ارتباط برقرار می‌کند، و خدا احساس دارد. خدا عاطفه دارد. آیا من این را تهدیدی برای ثبات او می‌دانم؟ من اینطور فکر نمی‌کنم.

من اینطور فکر نمی‌کنم. با این حال، او وارد روابط واقعی بده بستان با قومش می‌شود. او به دعاها پاسخ می‌دهد.

او از قضاوتی که در پرتو توبه و غیره در مورد آن هشدار داده بود، خودداری می‌کند. و من نمی‌گویم که ما می‌توانیم خدای شخصی بی‌نهایت را کاملاً درک کنیم، اما می‌توانیم تا حدی درک کنیم، و مطمئناً کلام او راهنمای ماست، و این واقعیت را بیان می‌کند که خدا احساسات دارد. و روح، چون او یک شخص است، نیز احساسات دارد.

آموزه‌های فرقه‌ای، آموزه‌های برخی از متکلمان لیبرال، مبنی بر اینکه روح القدس صرفاً نیروی خداست، اشتباه است. او، کمی، می‌توانم درک کنم. نام‌های پدر و پسر از نام روح القدس گرم‌تر هستند.

با این وجود، کتاب مقدس گاهی اوقات حتی از ضمائر مذکر برای اشاره به خدا به جای اسم خنثی روح استفاده می‌کند. آیا این موضوع شخصیت او را اثبات می‌کند؟ در واقع، اینطور نیست. اما نقش‌هایی که او ایفا می‌کند و خدماتی که انجام می‌دهد نشان می‌دهد که روح یک شخص است.

همچنین درست است که روح با قدرت خدا مرتبط است، اما این واقعیت را انکار نمی‌کند که او یک شخص است. او یک شخص قدرتمند است. روح القدس نه تنها یک شخص است، بلکه یک شخص الهی نیز هست. و ما به زودی به آنجا خواهیم رسید.

من هنوز باید این را تمام کنم. روح القدس خدمات شخصی را انجام می‌دهد. او جای عیسی را می‌گیرد.

در یوحنا ۱۶:۱۴، عیسی می‌گوید، من یآوری دیگر برای شما خواهم فرستاد. این کلمه پاراکلتوس یا به زبان انگلیسی پاراکلیت است. این بسیار دشوار است.

ما نمی‌توانیم آن را به طور یکنواخت ترجمه کنیم. این کار باید در بافت‌های خاص انجام شود. بنابراین، اول یوحنا ۲:۲ او وکیل مدافع ماست.

یوحنا ۱۶: ۸ تا ۱۱، او یک دادستان است. و ترجمه‌ها می‌گویند دستیار و غیره. آنها از کلمات متفاوتی برای بیان این موضوع استفاده می‌کنند.

نکته اینجاست. او خودِ دیگرِ عیسی است. او یک یاورِ دیگر، یک پاراکلیتِ دیگر است، زیرا جای عیسی را می‌گیرد.

مطمئناً، فقط یک انسان می‌تواند چنین کاری انجام دهد. او تعالیم عیسی را ادامه می‌دهد. یوحنا ۲۶:۱۵

روح القدس تعلیمی را که عیسی آغاز کرد، ادامه می‌دهد. یعنی، در نقشه خدا، پدر و پسر، روح القدس را برای ادامه خدمت عیسی می‌فرستند. یوحنا ۱۵:۲۶

وقتی یاور بیاید، راه دیگری هم برای انجامش وجود دارد. یاور، راه خوبی برای ترجمه آن است. وقتی یاور بیاید، که من او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم، روح راستی که از پدر صادر می‌شود، او درباره من شهادت خواهد داد.

او این بار، همانطور که عیسی درباره خودش تعلیم می‌داد، همچنان درباره عیسی تعلیم می‌دهد. او عیسی را جلال می‌دهد. یوحنا ۱۶:۱۴

روح مرا جلال خواهد داد، زیرا آنچه را که از آن من است، خواهد گرفت و برای شما بیان خواهد کرد. اینها خدماتی هستند که فقط انسان انجام می‌دهد. فقط یک انسان جای عیسی را می‌گیرد.

فقط یک نفر به تعلیم خود ادامه می‌دهد و درباره عیسی تعلیم می‌دهد. فقط یک نفر عیسی را جلال می‌دهد. فقط یک نفر گناهکاران را، ببخشید، به گناهشان محکوم می‌کند، و این یوحنا ۱۶:۸ است. وقتی او بیاید، او یاور است و جهان را در مورد گناه و عدالت و داوری محکوم خواهد کرد.

پولس در رومیان ۸:۲۶ می‌گوید که روح دعا می‌کند. او با کلماتی بسیار عمیق که نمی‌توان بیان کرد، برای ما دعا می‌کند. رومیان ۸:۱۶

رومیان ۸:۲۶، متأسفم. به همین ترتیب، روح نیز در ضعف ما به ما کمک می‌کند، زیرا ما نمی‌دانیم برای چه چیزی آنطور که باید دعا کنیم. اما خود روح با ناله‌هایی عمیق که نمی‌توان بیان کرد، برای ما شفاعت می‌کند.

نیروها دعا نمی‌کنند، بلکه اشخاص دعا می‌کنند. روح برای ما دعا می‌کند. او به ما اطمینان می‌دهد، یوحنا ۸:۱۶.

خود روح با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم. او حیات می‌بخشد. او روح حیات بخش است، در تمام این خدمات، ما فقط شخصی را می‌بینیم که می‌تواند آنها را انجام دهد.

روح آنها را انجام می‌دهد. بنابراین، روح، روح القدس، یک موجود شخصی است. علاوه بر این، او به عنوان یک شخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

می‌توان به او کفر گفت، مرقس ۳:۲۹. به او دروغ گفته شد، اعمال رسولان ۵:۳. پولس به حنانيا و سفیره می‌گوید: شما به روح القدس دروغ می‌گویید. روح القدس را می‌توان آزمایش کرد، اعمال رسولان ۵:۹، به گونه‌ای که خدا را نباید آزمایش کرد.

روح آزمایش می‌شود. استیفان قبل از اینکه او را سنگسار کنند و به قتل برسانند، به حضار یهودی می‌گوید: در برابر روح می‌توان مقاومت کرد. شما همیشه در برابر روح القدس مقاومت می‌کنید، همانطور که پدرانتان «در برابر پیامبران مقاومت کردند».

استیفان، اعمال رسولان ۷:۵۱. همانطور که در افسسیان ۴:۳۰ دیدیم، روح می‌تواند غمگین شود. او می‌تواند خاموش شود، اول تسالونیکیان ۵:۱۹.

و به روح القدس می‌توان توهین کرد، عبرانیان ۱۰:۲۹. در یکی از پنج متن هشداردهنده بزرگ در کتاب عبرانیان، کسانی که مورد تلاش قرار می‌گیرند، به نظر می‌رسد یهودیان ادعا می‌کنند، مسیحیان یهودی‌نژاد تلاش می‌کنند تا برای رهایی از آزار و اذیت به یهودیت بازگردند، باید بدانند که انجام این کار خودکشی معنوی است. اگر کسی این کار را انجام دهد، دیگر قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند، عبرانیان ۱۰:۲۶، بلکه فقط داوری خدا باقی می‌ماند.

نشستن در برابر شریعت موسی بسیار دردناک است، عبرانیان ۱۰:۲۹. به نظر شما چه مجازات بدتری در انتظار کسی است که با رد کفاره پسر خدا، او را زیر پا لگدمال کرده و خون عهد را بی‌حرمت ساخته است. عهدی که در آن عیسی واسطه انحصاری است و به وسیله آن تقدیس شده است، یعنی کسانی که مسیح را تصدیق می‌کنند، جدا شده و به عضویت کلیسا در می‌آیند و روح فیض را بی‌حرمت کرده‌اند. اینها همه گناهانی هستند که اگر کسی انجیل و عهد جدید را تحقیر کند و مسیحی را که قبلاً تصدیق می‌کرد، انکار کند، مرتکب می‌شود.

به روح توهین شده است. فقط یک انسان می‌تواند مورد کفرگویی، دروغگویی، آزمایش، مقاومت، اندوه، خشم یا توهین قرار گیرد. یک بار دیگر به آن آیات می‌پردازم.

می‌توان به روح کفر گفت، مرقس ۳:۲۹. عیسی گفت، به راستی، به راستی به شما می‌گویم، همه گناهان فرزندان آدم، و هر کفری که بگویند، بخشیده خواهد شد، اما هر که به روح القدس کفر گوید، هرگز بخشیده نخواهد شد، بلکه مجرم به گناه ابدی است، مرقس توضیح می‌دهد، زیرا آنها می‌گفتند که او روح پلید دارد. مرقس ۳، من آیات ۲۸ تا ۳۰ را می‌خوانم.

در اعمال رسولان ۵، حنانیا و سفیره توافق کردند که دروغ بگویند. دارایی آنها مال خودشان بود. اینجا هیچ کمونیسمی وجود ندارد.

این یک بخشش داوطلبانه از دارایی‌ها و زمین‌ها به رسولان برای کار خدمت است. بنابراین، گناه آنها این نیست که نمی‌خواستند دارایی و زمین خود را نگه دارند. گناه آنها این است که دروغ گفتند.

مردی به نام حنانیا و همسرش سفیره، ملکی را فروختند، اعمال رسولان ۵:۲. و با اطلاع همسرش، مقداری از آن را برای خود نگه داشت و تنها بخشی از آن را آورد و پیش پای رسولان گذاشت. اما پطرس گفت، اعمال رسولان ۵:۳، حنانیا، چرا شیطان قلب تو را پر کرده است تا به روح القدس دروغ بگویی؟ روح، شخصی است که می‌تواند به عنوان یک شخص تحت تأثیر قرار گیرد. تو نمی‌توانی به یک نیرو دروغ بگویی.

شما به مردم دروغ می‌گویید، و آنها به روح القدس دروغ می‌گویند. و برای اینکه بخشی از درآمد زمین را برای خود نگه دارید. آیا مادامی که فروخته نشده بود، مال خودتان نبود؟ و پس از فروش، آیا در اختیار شما نبود؟ چرا این کار را در دل خود تدبیر کرده‌اید؟ شما به انسان دروغ نگفته‌اید، بلکه به خدا دروغ گفته‌اید.

با توجه به یادداشت‌های بعدی، اشاره می‌کنم که این متن نه تنها نشان می‌دهد که روح القدس به عنوان یک شخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بلکه می‌توان به او دروغ گفت، بلکه نام او را با نام خدا عوض می‌کند. دروغ گفتن به روح القدس، دروغ گفتن به خداست. وقتی حنانیا این سخنان را شنید، به زمین افتاد و جان سپرد.

متأسفانه، سفیرا نیز به سرنوشتی مشابه سرنوشت خدا دچار می‌شود، همانطور که او گاهی اوقات در کلامش چنین می‌کند، و به چند گناهکار آنچه را که همه ما بارها سزاوار آن هستیم، می‌دهد. او آنها را به عنوان نمونه‌هایی از تقدس و عدالت خود برجسته می‌کند تا به قوم خود هشدار دهد. سه ساعت بعد، سفیرا وارد می‌شود، اعمال رسولان ۵:۷، در حالی که نمی‌دانست چه اتفاقی افتاده است.

پطرس می‌گوید، به من بگو که آیا زمین را به فلان و بهمان قیمت فروختی؟ زن گفت: بله، به فلان قیمت «پطرس به او گفت»: چگونه است که شما، ای جمع، با هم توافق کرده‌اید که روح خداوند را بیازمایید؟ (اعمال رسولان ۹:۵ (اینک، پای کسانی که شوهرت را دفن کرده‌اند، بر در است

این یک استعاره است، جزئی برای کل. پاهای کوتاه آنها نمایانگر کل بدنشان است. سینکدوکی یعنی جزئی برای کل یا کل برای جزء.

در این صورت، پاهای آنها برای تمام قوم، برای تمام وجود، تمام وجودشان، تمام بدنشان ایستاده است. اینک، پاهای کسانی که شوهرت را دفن کردند، بر در است و تو را بیرون خواهند برد. فوراً، او به پاهای او افتاد. و آخرین نفس خود را کشید.

نکته اینجاست، آیه ۱۱، و ترس بزرگی بر تمام کلیسا و بر همه کسانی که این چیزها را شنیدند، مستولی شد. خدا با انجام نمونه کوچکی از آنچه قومش هنگام شورش علیه او سزاوار آن هستند، ترس مقدس از نام خود را ترویج می‌دهد. نکته ما این است که می‌توان به روح دروغ گفت و روح را می‌توان آزمایش کرد. بنابراین، او یک شخص است.

و دوباره، در پایان سخنان استیفان در اعمال رسولان ۷:۵۱، او صدایش را پایین می‌آورد، ای گردنکشان، ای نامختونان در دل و گوش، ای نامختونان گوش، مرا ببخشید، شما همیشه در برابر روح القدس مقاومت می‌کنید. همانطور که پدرانتان کردند، شما نیز می‌کنید. کدام یک از پیامبران را پدرانتان آزار ندادند؟ و کسانی که از آمدن آن عادل، که اشاره به عیسی مسیح است، از پیش خبر داده بودند، کشتند، که شما اکنون به او خیانت کرده‌اید و او را کشته‌اید.

می‌توان در برابر روح مقاومت کرد. تاریخ اسرائیل این را نشان می‌دهد، و خلاصه آن مصلوب کردن مسیح توسط قوم عهد است، اعمال رسولان ۷:۵۱. ما قبلاً در افسسیان ۴:۳۰، در همان زمینه‌ای که خدا قوم خود را مَهر می‌کند، شاهد اندوهگین شدن روح بودیم، پدر به قوم خدا روح القدس را به عنوان مَهر، به عنوان تضمینی برای نجات نهایی آنها، عطا می‌کند.

آنها مَهر شده‌اند، افسسیان ۴:۳۰ برای روز رستگاری. مفهوم مَهر در عهد جدید، یک مفهوم تثلیثی است. پدر. مَهرکننده است، نه روح القدس.

نسخه الکترونیکی انجیل اشتباه است؛ در آن ترجمه در افسسیان ۴-۳۰ اشتباه بود. امیدوارم همانطور که گفتند، آن را اصلاح کرده باشند. مَهر، روح القدس است.

اگر بخواهید، او موم روی پاکت است. مَهر کردن در او انجام می‌شود، افسسیان ۱:۱۳ و ۱۴، و در او شما نیز با روح القدس موعود، روح القدس وعده، مَهر شده‌اید. یعنی پدر، اتحاد مؤمنان را با مسیح مَهر می‌کند، و او آنها را با خود روح القدس مَهر می‌کند.

این یک عملکرد تثلیثی است. روح می‌تواند غمگین شود، افسسیان ۴:۳۰. او می‌تواند خاموش شود، اول تسالونیکیان ۵. هنگام مطالعه شخصیت روح، به ویژه این مفهوم که او تحت تأثیر قرار می‌گیرد یا تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به هشدارهایی برمی‌خوریم.

پیوسته دعا کن. همیشه شاد باش. پیوسته دعا کن.

در هر شرایطی شکرگزار باشید، زیرا این اراده خدا برای شماست که در مسیح عیسی نهفته است. روح را خاموش نکنید. پیشگویی‌ها را تحقیر نکنید، بلکه همه چیز را بیازمایید.

به آنچه نیکوست بچسبید. از هر نوع بدی دوری کنید. با ریختن آب فراوان یا پاشیدن شلنگ آتش نشانی روی آتش، روح را خاموش نکنید.

مؤمنان می‌توانند با بی‌ایمانی خود، روح را خاموش کنند. نکته این است که روح یک شخص است. او را می‌توان خاموش کرد.

و ما قبلاً در عبرانیان ۱۰ دیدیم که همراه با مسیح و صلیبش که می‌توانند مورد توهین قرار گیرند، روح فیض نیز می‌تواند مورد توهین قرار گیرد، زیرا قوم خدا که زمانی به عنوان مسیح شناخته می‌شدند، از مسیح روی برمی‌گردانند و ادعایی را که زمانی داشتند انکار می‌کنند. علاوه بر این، روح یک نیروی غیرشخصی نیست، بلکه شخصی است که ما می‌شناسیم. یوحنا ۱۷:۱۴ از این جهت قابل توجه است که به طور کلی، عیسی در سخنرانی‌های وداع خود درباره پدر و پسر صحبت می‌کند و تقریباً روح را به عملیات و خدمات پس از پنطیکاست واگذار می‌کند.

اوه، انجیل یوحنا در بخش «تولد دوباره» در یوحنا ۳ به روح حیات بخش اشاره می‌کند و در چندین جا به روح فعال در زندگی عیسی در خدمت زمینی‌اش اشاره می‌کند. اما پیش‌بینی می‌شود که خدمت‌های روحی که ما در پولس، در یوحنا، از آنها شادمان هستیم، پس از ریزش عظیم روح در پنطیکاست، همانطور که در پایان یوحنا ۷ از آن صحبت می‌شود، رخ دهند. بنابراین، یوحنا ۱۷:۱۴ به ما می‌گوید، اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگه دارید، یوحنا ۱۵:۱۴، و من از پدر خواهم خواست، و او یآوری دیگر به شما خواهد داد تا همیشه با شما باشد، یعنی روح حقیقت، که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد زیرا نه او را می‌بیند و نه می‌شناسد.

شما او را می‌شناسید. شما نمی‌توانید یک نیرو را بشناسید، اما می‌توانید یک شخص را بشناسید. شما او را می‌شناسید، زیرا او با شما ساکن است و در شما خواهد بود.

روح مانند یک شخص قابل شناخت است. او ساکن است، این زبان شخصی است که با چیزی ساکن می‌شود، با شخص دیگری زندگی می‌کند. او با مؤمنان ساکن خواهد شد و حتی در آنها ساکن می‌شود، در آنها خواهد بود، و این تنها خدمتی است که افراد در آن شرکت می‌کنند، ساکن می‌شوند.

علاوه بر این، روح شخصی است که ما با او رفاقت داریم. ما آن را در معروف‌ترین دعای خیر پولس می‌بینیم، ترجمه دیگری آن را در آیه ۱۳. ESV. که اتفاقاً مورد علاقه من هم هست، دوم قرن‌تین ۱۳:۱۳ یا ۱۴:۱۳ در قرار می‌دهد.

من معتقدم که عدد ۱۴ رایج‌ترین روشی است که کتاب مقدس برای این کار استفاده می‌کند. فیض خداوند عیسی مسیح، عشق خدا و رفاقت روح القدس با همه شما باد. این تثلیث است.

ترتیب جالبی است. پسر، پدر، روح. پولس دعا می‌کند که مؤمنان فیض مسیح، محبت خدای پدر و مشارکت روح القدس را بشناسند.

هر یک از این اسم‌ها از رابطه، رفاقت و عشق سخن می‌گویند. شما نمی‌توانید با یک نیرو رفاقت داشته باشید. رفاقت روح القدس با همه شما باد.

در اول یوحنا ۱، مشارکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است، و پولس اضافه می‌کند، و با روح القدس روح شخصی است که ما با او مشارکت داریم.

بنابراین، در سخنرانی بعدی‌مان، روح القدس را به عنوان خدا خواهیم دید، اما برای مرور، روح القدس یک نیروی غیرشخصی نیست.

اوه، او شخص قدرتمندی است، و قبول داریم که نامش به گرمی و صمیمیت نام «پدر و پسر» نیست. با این وجود، کتاب مقدس او را به عنوان یک شخص معرفی می‌کند. او ویژگی‌های شخصی، هوش، اراده و احساسات دارد.

او خدماتی را انجام می‌دهد که فقط انسان‌ها انجام می‌دهند، جای عیسی را می‌گیرد، تعالیم عیسی را گسترش می‌دهد، عیسی را جلال می‌دهد، مردم را به گناهانشان محکوم می‌کند، برای ما دعا می‌کند، ما را در درون مطمئن می‌سازد و به ما حیات جاودان می‌بخشد. او ویژگی‌های شخصی دارد، خدماتی را انجام می‌دهد که فقط انسان‌ها انجام می‌دهند، و همانطور که دیدیم، به عنوان یک شخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد. او کفر می‌گوید. دروغ می‌گوید، آزمایش می‌شود، مقاومت می‌کند، غمگین می‌شود، سرکوب می‌شود و مورد توهین قرار می‌گیرد.

خلاصه کلام، همانطور که عیسی در یوحنا ۱۷: ۱۴ گفت، شما روح را می‌شناسید. او یک شخص است، زیرا با شماست و در شما خواهد بود. و خدا را شکر که به فیض او، ما نه تنها از فیض خداوند عیسی مسیح و عشق خدای پدر بهره‌مند می‌شویم، بلکه ما، قوم او، از رفاقت روح القدس نیز بهره‌مند می‌شویم.

این قطعاً رفاقت یک شخص است، و حتی بیشتر از آن، رفاقت یک شخص الهی، شخص سوم تثلیث است، که موضوع سخنرانی بعدی ما خواهد بود.

این دکتر رابرت پترسون در آموزه‌هایش در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه ۱ است، روح القدس یک شخص است.